



فارسی بگوییم



گفتاری و نوشتاری رسمی دولتی
که چه ببی پرواوبی توجه به بن مایه های
زبان فارسی آسیب وارد می کنند:
گاهآ، ناچارآ، ناگزیرآ، دلایل ها،
مراسم ها، دوران ها، صورها،
آشکال ها، مردمان ها، لطمات ها،
موانع ها و صدها نمونه ناسازگار
دیگر ... که هر ساعت و هر روز
بارها و بارها دیده و شنیده می شوند.
چنان چه با اندکی وسواس به
نوشته های روزنامه ها، برخی از
کتاب ها، سخن رانی و سخن پراکنی
گروهی از سخن رانان در نشست ها
و گردهم آبی های مختلف توجه
شود بر آن چه که بر زبان فارسی در
سال های پیش رو گذشته است
آسان تر داوری خواهیم کرد.

بی گمان و به باور ژرف اندیشه های
بسیاری از فارسی شناسان جهان،

خود به شیوانی و زیبائی فراوان و
بدون بهره گرفتن حتا یک کلمه از
زبان همان سرزمینی که در آن به بار
آمده اند، به گفتار و نوشتار از بسیاری
از ما پیش ترند و فرخ و فرخنده تر ...
سخن به گزافه گفته ایم اگر لب
از انکار این واقعیت باز داریم که در
دو، سه دهه پیش رو حتا سخن
وران، نویسنده گان، گوینده گان
رسانه ای صدا و سیمایی، دانش
آموخته گان دانش گاهی و بسیاری
از اندیشمندان ما به همان علت هایی
که در بالا به آن اشاره شد در به کار
بردن واژه گان بی گانه در زبان
فارسی بسیار بی پروا شده اند.

نگاه کنید به انبوه واژه گان
بی گمان نادرست و رایج سال های
پیش رو در گفت و شنودهای
غیررسمی مردمی و رسانه های

تمام آن کسانی که برای نشان
دادن دانش خود؟! و برای رخ
نمودن در نزد این و آن می کوشند
تا از واژه گان بی گانه در گفت و
شنود و نگارش خود بهره ببرند،
بی گمان یا بسیار ناگاه و نادان
هستند، یا برای خود فروشی دانشی
که ندارند به این کار دست می زنند
و یا برای سست کردن پایه های زبان
مادری و به بی راهه کشیدن تاریخ،
فرهنگ و زبان خود چنین می کنند.
و گرن، بسیارند، افزون بر افزون،
از فرزندان برومند این سرزمین
قدس که در کشورهای آمریکایی،
اروپایی و یا سایر قسمت های گیتی
به بار آمده اند، اما به خاطر عشق و
علاقه به فرهنگ و زبان مادری
خود، اگرچه به چند زبان غیر فارسی
سلط هستند، اما با زبان مادری



دست می چرخید و سرانجام چون
امنیت شغلی، مالی و اجتماعی
وجود داشت در خزانه‌ی بانک‌های
موجود انباسته می‌شد.

برنامه ریزان زیرک اقتصادی شرق
و غرب برای برگرداندن این دلارهای
بادآورده، علاوه بر ترفندهای انجام
معاملات کلان دولتی و بخش
خصوصی برای تاراج منابع ملی،
تسهیلات فراوان مسافرتی مانند
دریافت گذرنامه و ویزای بازدید از
کشورهای مختلف دنیا در برنامه‌هایی
مانند دور دنیا در ۲۵ روز فقط با
۱۸۰۰ تومن را آغاز کردند.

نتیجه این شد که تعدادی بسیار
انبوه از مردم کشورمان که مسافرت
به اروپا را با مسافرت با شاه
عبدالعظیم اشتباه گرفته بودند بدون
اگاهی علمی و فرهنگی از سیاست
گردش گری «توریسم» گاهی با وام
گرفتن از بانک‌ها به کشورهای
اروپایی، آمریکایی و دور دنیا رفتد
و آمدند، از اتومبیلهای دست دوم تا
دست دهم گرفته تا لباس‌های
دست چندم و کنه و به حراج گذاشته
شده کشورهای مورد بازدید و چیزهایی
غیر لازم و بی استفاده در داخل
ملکت با خود آوردند. اگرچه

زبان فارسی یکی از انگشت شمار
زبان‌هایی است که به دلیل فراوانی
واژه‌گان هم گون و گسترده بودن
مفهوم‌های ساختاری و ریشه‌های
بسیار آسان دستوری و آیین
نگارشی^(۱) به آسانی می‌تواند حتا
دشوارترین واژه‌های فنی و صنعتی
را نیز به زبانی معنی دار و ریشه‌ای
باز بگوید، بدون این که کوچک‌ترین
خلیلی در ساختار اصلی کلمه پدید
آمده باشد.

**به واقعیتی که چندان بی شباهت
به یک تراژدی نیست بنگرید:**

پیش‌ترها که از نظر زمانی چندان
هم دور از زمانه‌ی ما نیست که به
تاریخ و افسانه پیوسته باشد، با
بالارفتن قیمت ناگهانی نفت از
 بشکه‌ای ۱۰ - ۱۲ دلار به ۳۰ دلار و
سرریز شدن ناگهانی میلیارد‌ها دلار
نفتی به سرزمه‌نی که حاکمیت
وقتش حتا در رؤیاهای خود پیش‌بینی
چنین افزایش درآمد سرسام آوری
رانکرده بود، گیج و سردرگم شده
بود. دلارهای سرگردان نفتی در
کشوری بدون برنامه‌ریزی اقتصادی
به جای ایجاد پروژه‌های زیرساختی
فرهنگی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی
در دست گروهی از مردم دست به

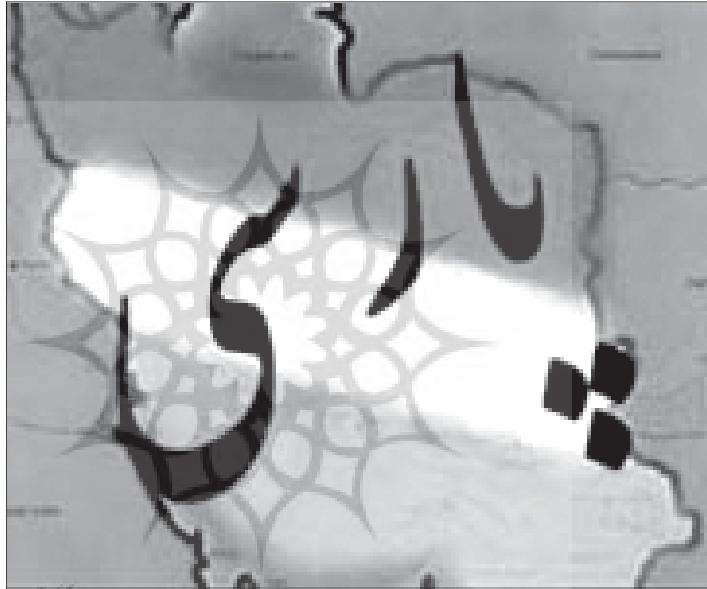
شدنده و ته مانده آن هم پول توجیبی میلیونها مسافری شد که به جز امارات، دوبی، قطر، بحرین، کویت، سوریه، عراق و عربستان کشور دیگری را نمی‌شناختند و یا اگر می‌شناختند، فرهنگ مسافرت به آن سرزمین‌ها را نداشتند.

حاصل این رفت و آمد، سکونت دائم، سکونت موقتی و امتیاز ویزاهای آسان مسافرتی به آمریکا و اروپا علاوه بر تاریخ سرمایه‌های ملی و سرمایه‌گذاری بی‌بهره، زیان بخش و غیرکارآمد در بخش ساختمان کشورهای عربی، به ویژه در دوبی که در اندازه کرج ما هم نیست،

تاریخ سپری شده است و قیمت نفت ناگهان از بشکه‌ای ۳۰ دلار به ۶۰ - ۷۰ و ۷۵ دلار هم رسید و آن دلارهای بادآورده و سرگردان نفتی دوباره به سوی اقتصاد سنتی و عقب مانده ما سرازیر شده‌اند با ترفندهایی زیرکانه‌تر از ۳۰ سال پیش؛ یا در جنگ خان و مان سوز

هدف بازگرداندن دلارهای نفتی به کشورهای مبداء بود، اما آن‌چه که باید از نظر فرهنگی مورد توجه قرار می‌گرفت و میلیونها نفر از کنار آن بی‌توجه در گذشتند، این بود که نزدیک به تمام کسانی که به این گونه مسافرت‌ها می‌رفتند، در موقع بازگشت چند کلمه به غلط به

انگلیسی یا فرانسه یاد گرفته بودند و آن واژه‌گان به وام گرفته شده را بدون این که نوع کاربرد و یا نیاز استفاده از آنها را در زبان فارسی احساس کنند، فقط برای این که فخر بفروشند و بگویند که به خارج سفر کرده‌اند بازهم به غلط بازگو می‌کردنند.



هجموم بی‌امان فرهنگ عربی در زندگی اجتماعی لایه‌های پایینی مردم ما از یک سو و وارد شدن دوباره صدها واژه تازی در گفتار و نوشتاری گردید که امروز شاهد آن هستیم. آیا زدودن واژه‌گان وارداتی سال‌های پیش رو از پیکره زبان فارسی در کوتاه مدت کار آسانی است؟

۱- همان واژه‌ای که بسیاری به نادرستی آن را «گرامر و یا صرف و نحو» می‌نامند.

زیردریایی‌های گازوئیلی عصر استالینیسم شدند، یا به کارخانه‌های ورشکسته‌ی اتومبیل سازی پژو، رنو، کیا و ... در مقابل واردات اتومبیل‌های خارج از استانداردهای محیط زیست جهانی بر باد رفتد، یا به نام کمک‌های باعوض و یا بدون عوض به جیب دشمنان سنتی و چندین صد ساله‌ی ایران ریخته

این موضوع باعث شد که تعداد زیادی از واژه‌گان ناخواسته‌ی بی‌گانه، بدون این که زبان ما به آنها احتیاج داشته باشد به غلط وارد زبان ما شد و سال‌ها به درازا کشید تا به کمک فرهنگستان زبان فارسی پالایشی علمی در زبان فارسی صورت پذیرد. پس از ۳۰ سال، تاریخ دگرباره تکرار شد، اما این مرتبه بسیار گسترده‌تر. اینک که ۳۰ سال از آن